

- 6.....مقدمه ناشر
- 8.....ماه غلبه اسم رحمت
- 9.....حدیث فرشته داعی
- 12.....اتحاد حکم عبد با رب
- 14.....رجب؛ عامل شکل دهی به شخصیت قیامتی انسان
- 15.....استغفار خاص
- 17.....ماهی که همه چیز خدایی است
- 18.....شرایط یگانه شدن با خدا
- 20.....ماه رجب، ماه امنیت از غضب الهی
- 21.....بالاترین تقاضا
- 22.....نگاه دار سر رشته تا نگه دارد
- 24.....کشف رجب در خود
- 27.....اتصال به بهشت
- 28.....شیر؛ صورت علم توحیدی مخصوص رجبیون
- 34.....عسل؛ صورت شور معنوی رجبیون
- 35.....ماه ولایی شدن برای ملاقات با حق
- 39.....راه به دست آوردن توفیق انجام اعمال این ماه
- 40.....اعمالی ساده و برکاتی بزرگ
- 42.....سلوک بی سر و صدا
- 48.....زیرکی بفروش و حیرانی بخر
- 50.....تعلیم بس است، تجرید!
- 51.....در ربایید این چنین نفعات را

## مقدمه ناشر

بحث «ماه رجب، ماه یگانگی با خدا»؛ سخنرانی استاد طاهرزاده در جمع برادران و خواهرانی است که مایل بودند با آگاهی بیشتر نسبت به مقام ماه رجب و آداب و اذکار آن ماه، نهایت استفاده را از این ماه عظیم الهی ببرند.

در این بحث سعی شده ابتدا جایگاه ماه رجب در متون روایی، خوب تبیین شود و سپس جایگاه اذکار و اعمال این ماه در سلوک یک انسان سالک مشخص گردد، تا مؤمنین دانسته و آگاهانه نسبت به آن اعمال برخورد کنند و صرفاً مشغول آداب قالبی آن ماه نگردند.

در این بحث روشن شده است، چگونه انسان به شخصیتی می‌رسد که در روز قیامت به‌عنوان «رجیون»

شناخته می‌شود؟ و چگونه خداوند شرایط صعود انسان را در ماه رجب فراهم نموده است؟ و چگونه می‌شود که یک ماه، ظرفیت یگانه شدن با خدا را برای انسان فراهم نماید و فلسفه این که ماه رجب، ماه حرام الهی قرار گرفته است چیست و چگونه می‌شود مقام غیبی ماه رجب را در خود احیاء و سپس کشف کرد؟ و چرا از یک جهت در روایت می‌فرماید: ماه رجب، ماه خدا است و از یک جهت می‌فرماید: ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین «علیه السلام» است؟ و در آخر، با چند توصیه برای هرچه بیشتر بهره‌بردن از ماه رجب، بحث به اتمام می‌رسد.

انتشارات کبّ المیزان امید دارد که از این طریق توانسته باشد قدمی در هرچه بیشتر بهره‌بردن مؤمنین و مؤمنات برداشته و إن شاء الله وسیله احیاء بیش از پیش معارف و اخلاق اسلامی را در جامعه فراهم کرده باشد.

## بسم الله الرحمن الرحيم

حلول ماه مبارك رجب را تبریک عرض می کنیم و ضمن سلام به مقام تکوینی ماه رجب، عاجزانه از خدا می خواهیم مرحمتی بفرماید که ما از نعمت‌ها و رحمت‌های این ماه محروم نشویم.

### ماه غلبه اسم رحمت

رجب؛ ماهی که خداوند جنگ با دشمنان را نیز ممنوع فرموده است، تا برای همه انسان‌ها امن و امان باشد، تا هر کس خواست به جوار حضرت حق نزدیک شود، اسم رحمت حق به استقبال او رود و او را وارد رحمت الهی نماید و طعم ورود به مقام انس با حق را به قلب او بچشانند.

خسران بزرگی است که در ماه عزیز رجب، قلب را نسبت به این ماه متذکر نکنیم. در این ماه باید به قلب بگوییم:

**ای قلب!** متوجه باش، وقتی خداوند جنگ با دشمنان خدا را در این ماه ممنوع نموده، بنگر با دوستان خود چه خواهد کرد.

**ای قلب!** غافل مباش، در این ماه به خطاهای تو نمی‌نگرند، مأیوس هم مباش، می‌خواهند تو را وارد بنده‌های خاص گردانند.

## حدیث فرشته داعی

در مورد عظمت و اهمیت ماه رجب توجه کنید به روایت مشهوری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در کتب روایی ما از جمله در کتاب اقبال سید بن طاووس در اعمال ماه رجب و یا در کتاب المراقبات مرحوم آیت الله ملکی تبریزی (رحمة الله علیه)<sup>1</sup> که به حدیث فرشته «داعی» مشهور است. آن روایت عبارت است از این که:

**رُویَ عَنِ النَّبِيِّ (صلوات الله عليه وآله): «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، مَلِكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي»؛** یعنی خداوند یک ملکی در آسمان هفتم دارد که اسم آن ملک «داعی» است. چرا جایگاه این ملک آسمان هفتم است؟ چون آسمان هفتم مقام حقیقت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است یعنی این روایت بر مقام پیامبر آخر الزمان (صلی الله علیه و آله و سلم) منطبق است. بعد حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله) می فرمایند: **«فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ، يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ»** از سر شب تا صبح

---

1- کتاب «المراقبات» مرحوم آیت الله ملکی تبریزی جهت مراقبه ماه های رجب و شعبان و رمضان و ذیحجه، کتاب ارزشمندی است. لازم است عزیزانی که می خواهند در سلوک قدمی بردارند، از آن استفاده نمایند.

این مَلَك ندا می کند. - یعنی نوری از غیب هفتم عالم بر غیب جان شما ندا می کند- یک ارتباط پنهانی باطنی از اَبطن عالم که همان آسمان هفتم باشد و دیگر بالاتر از آن مرتبه ای نیست، ارتباطی از آن باطنی ترین حقایق، با بنیان وجود ما برقرار می شود. آری؛ خداوند آن ملک را مأمور کرده است که در این ماه با جان ما حرف هایی را بزند، که عرض خواهیم کرد. خداوند به لطف و کرم خودش به ما کمک کند که در این ماه آن ندا را بشنویم، آری می شود شنید. خودتان ملاحظه کنید، در شروع ماه رجب گویا حال و هوای روحی شما مستعد پذیرش الطاف خاصی شده است. پس معلوم است آن ندا چون نسیمی بر جان مسلمانان می وزد و پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) نیز این نور را می بینند که دارند از آن خبر می دهند و به ما توصیه می فرمایند: خود را برای پذیرش آن الطاف خاص آماده کنید.

حتماً می دانید که ماه رجب قبل از اسلام هم مورد توجه بوده است. حضرت نوح (علیه السلام) در ماه رجب کشتی شان را حرکت دادند، چون در چنین شرایطی امید بیشترین لطف را داشتند. در تاریخ داریم که خود اهل مکه با این که مسلمان نبودند حرمت این

ماه را حفظ می کردند، چون رعایت حرمت ماه رجب و استفاده کردن از الطاف خاص خداوند در این ماه در پیام سایر پیامبران (سلام الله علیهم) هم مطرح بوده است و اهل مکه در عین بت پرستی، تحت تأثیر توصیه انبیاء گذشته بوده اند.

این ملک «داعی» چه می گوید؟ ملاحظه کنید این انوار به قلب می خورد «**طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ**» یعنی ملک می گوید، خوشا به حال آنهایی که اهل ذکر حق هستند، خوشا به حال آنهایی که اهل اطاعت از حق هستند و لذا به جهت گفتار این ملک، علاقه ای به ذکر خدا و کششی به سوی اطاعت بیشتر در شما ایجاد می شود. ملک می گوید: ای ذاکران! مطیعان! مستغفران! مژده، مژده، بشارت، بشارت. «**يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ جَالِسِنِي**»؛ این ملک می گوید که خدای تعالی می فرماید: کسی که با من بنشیند، من با او می نشینم، من همنشین کسی هستم که با من همنشین شود. یعنی خداوند در این ماه از طریق سرورش **ملکِ داعی**، مخلوقش را به همنشینی با خودش دعوت می کند و برمی انگیزاند. و حتماً می دانید با ذکر و یاد خدا و رعایت دقیق حرام و حلال حضرت حق است که ما یاد خدا می کنیم و اینها وسیله ای است که آدم

زمینه‌ای فراهم کند تا با خدا بنشینند. خداوند خبری را در این ماه خاص به طالبان انس با حق می‌دهد که بنده می‌تواند همنشینی خاص الهی را در این ماه برای خود تهیه ببیند و به واقع لطفی از این بالاتر نیست، گفت:

*این که بینی مرده و افسرده‌ای زان بود که ترک سرور کرده‌ای*

می‌خواهند در این ماه راه انس با حق را برای ما باز کنند. دیده‌اید بعضی مواقع از بودن خودتان خسته شده‌اید، دائماً حوصله‌تان سر می‌رود؟! این به جهت قطع ارتباط باطنی قلب است با حق، حالا اگر انس با حق وارد زندگی و جان‌تان شد و خداوند جلیس شما شود، حوصله سر رفتن برایتان معنی نمی‌دهد. چرا که:

*هر که در خانه‌اش صنم دارد گرنیاید برون چه غم دارد*

## اتحاد حکم عبد با رب

ادامه سخن حضرت حق این است:

« **و مُطِيعٌ مِّنْ أَطَاعَنِی** »؛ الله اکبر! خیلی عجیب است،

خداوند می‌فرماید: در این ماه بدانید که من اطاعت می‌کنم از کسی که از من پیروی کند. ببینید مشکل چقدر عجیب حل می‌شود. مگر ما گاهی نمی‌خواهیم از شرّ یک مشکل یا از یک فساد اخلاقی و از



وسوسه‌های آزاردهنده، راحت شویم؟ می‌فرماید: این ماه آن زمانی است که اگر یاد مرا در قلبت زنده کنی و از من اطاعت کنی، آن وقت هر چه بخواهی، من از تو اطاعت می‌کنم و هر چه بخواهی به تو می‌دهم. یعنی از دریچهٔ رجبی شدن، می‌شود حوائجی را که خداوند حاضر و مایل است به ما بدهد، به ما بدهد. یعنی بندهٔ رجبی، بنده‌ای است که می‌تواند کاری کند که حکم خدا با حکم خود آن بنده متحد شود.

خداوند سخت عاشق بنده خودش است و به دنبال آن است که بنده‌اش از او چیزی بخواهد تا درخواست آن بنده را اجابت کند. حالا در ماه رجب این محبت و عشق به بندگانش به اوج خود می‌رسد و لذا خودش در دهان بنده‌اش می‌گذارد که من مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند، پس بنده عزیز من! یک قدم در راه بندگی من بردار، و بعد شروع کن از من چیز خواستن، من مطیع درخواست‌های تو هستم. این سفره به صورت خاص آن در ماه رجب گسترده شده است و لذا باید هنر استفاده کردنش را به دست آورد.

## رجب؛ عامل شکل دهی به شخصیت قیامتی انسان

در همین جا یادتان بیاوریم که در روایت هست: «در روز قیامت در موقف محشر، یعنی در آن تنهایی محض، ندا می آید: «**أَیْنَ الرَّجَبِیُّونَ**»؛ یعنی کجایند کسانی که در ماه رجب، با خدای خود انس خاص گرفتند و نگذاشتند ماه رجب به راحتی از دستشان برود؟ پس معلوم است که با اعمال ماه رجب برای انسان یک نوع شخصیت خاص پدید می آید، یعنی رجبی شدن یک نوع وجود تکوینی و یک هویت خاص برای انسان به وجود می آورد که در عالم قیامت که حقایق ظاهر می شود، این شخصیت خاص آن‌ها ظاهر می گردد. رجبی شدن، چیز ساده اعتباری مثل اسم گذاری روی افراد نیست که بدون رابطه با حقیقت افراد باشد.

در عظمت ماه رجب، رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» می فرمایند: ماه رجب؛ ماه عظیم خدا است که هیچ ماهی از نظر حرمت و فضل در نزد خدا هم‌تراز آن نیست. حتی در زمان جاهلیت ماه رجب را محترم می شمردند، و اسلام عظمت آن را مورد تأکید قرار داد. بعد فرمودند: **إِنَّ رَجَبَ شَهْرٍ «الله» و شعبان «شهری» و رمضان «شهر**

«أُمَّتِي»، یعنی رجب ماه خدا است و شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من است.<sup>۲</sup>

### استغفار خاص

در ادامه روایت هست که آن ملک از زبان خدا می‌فرماید: «غَافِرٌ مِّنِ اسْتِغْفَرَنِي» من بخشنده آنم که از من بخشش خواهد. معلوم است استغفار ماه رجب، استغفار خاص است. عموماً یکی از ذکرهای ماه رجب ذکر استغفار است و به شکل‌های مختلف هم آمده است، همه‌اش روی حساب است. آنجا که در گفتن استغفار، «رَبِّي» ندارد و می‌فرمایند: هر روز 70 مرتبه صبح و 70 مرتبه عصر بگویند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» چون در دامن ربّ ماه رجب خود را قرار داده دیگر انسان واژه «رَبِّي» را نمی‌گوید، بلکه توجه و توبه‌اش به سوی «الله» است. حتماً متوجه‌اید «الله» مقام جمع اسماء الهی است، لذا با دستور دادن به انجام این ذکر می‌خواهند قلب متوجه «الله» باشد، همان طور وقتی که «رَبِّ» را در ذکر می‌آورند می‌خواهند قلب توجه‌اش به مقام ربوبیت حق باشد و لذا عرض ما این است که شکل این ذکرها روی حساب است و همان

طور که روایت آورده باید گفت و در ایجاد حالات قلبی مطابق آن ذکر کوشش کرد تا نتایج فوق العاده آن ان شاء الله نصیب شما شود.

باز در رابطه با استغفار ماه رجب می فرمایند: 100 مرتبه یا 400

مرتبه در این ماه بگوئید: « **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،**

**وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ**»، یعنی از خدایی که جز او

الهی نیست و یگانه و بی شریک است، طلب غفران و آمرزش

می نماید و به سوی او جهت قلبم را قرار داده ام. که در این استغفار؛

« **الله** » را برای قلب خود ترسیم می کنی و یگانگی محض او را

برای خود تفهیم می کنی و سپس « **وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** » را می گویی، یعنی

من از حضرت « **الله** » که جامع جمیع اسماء الاهی است، می خواهم

که مرا ببخشد، آن الّلهی که قطب قلب من است و جز او نمی شود

کسی اله و معبود جان من باشد و من به سوی چنین خدای یگانه ای

که تمام مقصد قلبم هست، آمدم. عجیب است اگر کمی به قلب

خود عادت دهیم که این ذکر را با حضور بگو، می بینید حال و

هوایش عوض شد. روی « **وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** » با حضور قلب تأکید

کنید و متوجه باشید دارید می گوئید: به سوی او آمدم. خوشا به

حالتان با چنین کلماتی و چنین تصمیمی!

باز می فرماید بسیار بگو: «**اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ**»؛ یعنی خدایا غفران و بخشش تو را طلب می کنم و تقاضا می کنم که توبه مرا بپذیری و به من نظر کنی. اولاً؛ می گویی: از الله یعنی از حضرت جامع همه خوبی ها می خواهم مرا در بر بگیرد - مثل دربر گرفتن کالایی که شما گرد و خاکش را پاک می کنی و وارد خانه تان می کنی - ثانیاً؛ می گویی: از او که فرمود: من دوست دارم بنده ام دستور دهد تا آن را عمل کنم، تقاضا می کنم به من توجه فرماید، به من محل بگذارد. خوشا به حالتان با چنین کلمات و چنین تصمیمی!

*روی بنما و وجود خودم از یاد ببر خرم من سوختگان راهم گوبادبیر*

چون خودش در این روایت می فرماید: در این ماه «**غَافِرٌ مِّن** **اَسْتَغْفِرُنِي**»؛ بخشنده کسی هستم که توبه کند و بخواهد وارد یک حیات معنوی شود، آن هم حیاتی معنوی ای بدون هر گونه کدورتی از گناه و غفلت، پس باید با استغفار امید چنین حیاتی را داشت.

### ماهی که همه چیز خدایی است

ادامه روایت هست که خدا می فرماید: «**الشَّهْرُ شَهْرِي**» ماه، ماه من است. چه قدر آدم دلش گرم می شود که کجا آمده است و با چه شرایطی روبه رو است. با زمانی روبه رو است که خداوند آن را به خودش نسبت داده. می فرماید: «**وَالْعَبْدُ عَبْدِي**» بنده هم بنده من

است. وقتی می فرماید: ماه، ماه من و بنده هم بنده من است، یعنی جا دارد که روح بنده با این ماه متحد شود تا با صاحب این ماه ارتباط یابد. به ما خبر می دهد شرایط و مقامی است که من در این ماه بنده ام را برای خودم خالص می کنم. من و شما را در این ماه به عنوان بنده خودش می نگرد و آلودگی ها و عصیان هایمان را نمی نگرد. زمینه یگانه شدن بنده با خدا در این ماه فراهم است، این ماه عجیب است.

### شرایط یگانه شدن با خدا

این ماه در میان شیعیان آن قدر که لازم است و حق این ماه عزیز است مورد توجه قرار نگرفته است. اهل سنت عظمت ماه رجب را خوب متوجه هستند، هر چند با حالتی صوری و قالبی به آن نظر دارند، ولی به واقع پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت خاصی به این ماه داشتند. می فرماید: این ماه، ماه من است. حال ببینید ماه خدا بودن، یعنی این که در آغوش این ماه به راحتی می توانیم برای خدا یگانه شویم، مثل این که در مورد مکه می فرماید: «بیتي»؛ یعنی خانه من؛ و

شما ملاحظه کرده‌اید که در کنار خانه او چه رازها در راستای یگانه شدن برای انسان گشوده می‌شود. یگانه شدن یک مبنای نظری و فکری دارد و یک مبنای عملی. هم باید بینش و قلب انسان در این ماه با خدا یگانه شود، این با «استغفار» و ذکر «لا اله الا الله» که هر دو هم از اذکار این ماه است، محقق می‌شود. و هم یگانه شدن، عملی باید باشد که آن هم به کمک «روزه» محقق می‌شود. روزه یگانه شدن برای خداست. حال ببینیم مزه‌هایش چیست؟<sup>۳</sup>

در ادامه روایت می‌فرماید: «وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي» یعنی رحمت در این ماه، همه رحمت است، آن هم رحمت من است، بدون حجاب واسطه‌ها، یعنی در این ماه خودم به اسم رحمان به صحنه می‌آیم تا شما با من ملاقات کنید و رحمت را به واسطه‌ها نسبت ندهید و توجه شما به واسطه‌ها معطوف نشود. پس در این ماه رحمت فراوان است، آن هم رحمتی مستقیم از حضرت «الله» پس از طریق رحمت‌های فراوان این ماه، راه ارتباط با خود حضرت حق گشوده می‌شود، راه خاصی که رجبیون با خدا خواهند داشت.

---

3- برای روشن شدن معنی مزه روزه، به کتاب «روزه، دریچه‌ای به عالم معنا» رجوع فرماید.

« فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ » هر کس مرا در این ماه بخواند اجابتش می کنم و جوابش را می دهم. شاید بگویید خدایا ما همیشه و هروقت تو را بخوانیم اجابت می کنی. ولی معلوم است این دعوت خاص است که می فرماید: اگر مرا بخوانی، اجابت می کنم و یک اجابت و جواب گوییِ خاصی را همراه دارد، حجابها را مرتفع نموده و فاصله های زمانی را برداشته تا به راحتی آن اجابت خاصه نصیب ما شود.

### ماه رجب، ماه امنیت از غضب الهی

آیت الله ملکمی «رحمة الله عليه» در کتاب المراقبات در رابطه با ماه رجب به عنوان یکی از ماه های حرام می فرمایند: در ماه های حرام خداوند آنچنان غضبش فروکش می کند که حتی بر دشمنان هم آن غضب فروکش می کند، لذا در ماه حرام اگر دشمنان، یعنی دشمن اسلام هم به شما حمله نکند، در این ماه باید ترک مخاصمه کرد. دشمن اسلام اگر حمله نکند، یعنی اگر جهاد دفاعی نباشد باید ترک مخاصمه کرد، یعنی غضب خدا در این ماه این طوری است. مگر غضب خدا بر دشمنان خدا جاری نیست؟ ولی این ماه این قدر عجیب است که خداوند می فرماید: باید به دشمنان خدا هم امنیت



بدهید. این یعنی چه؟ یعنی شرایط غیبی این ماه ما را در شرایطی قرار می‌دهد که عامل فاصله گرفتن و دور افتادن ما از مقام غیبی عالم ملکوت که همان غضب خداست، در این ماه در صحنه نیست و لذا در چنین شرایطی زمینه ارتباط ما با خدا شدیداً فراهم است. به همین جهت است که می‌فرماید: هر کس مرا بخواند استجابت می‌کنم. این یک نوع استجابت خاص است. یعنی تو در این ماه در هر شرایطی از گناه هستی، اگر آمدی، هر چه بگویی به سرعت اجابت می‌شود. در شرایط دیگر این طور نیست.

### بالاترین تقاضا

در ادامه می‌فرماید: «وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ» حرف دهنِ ما گذاشته است. می‌فرماید: ای بنده من! اگر از من چیزی بخواهی به تو می‌دهم، پس چرا نمی‌خواهی؟ و اگر از من طلب هدایت و راه‌جویی کنی، تو را هدایت می‌کنم، راه و چاه را به تو نشان می‌دهم. بله حرف یاد ما دادند که ما در این ماه از خدا بخواهیم که خدایا ما را هدایت کن. ما انوار غیبی تو را رها کنیم، کجا برویم؟ و دعاهایی که ائمه (صلوات‌الله‌علیهم) در این ماه دارند در همین راستاست، که ما را

به سوی خود راهنمایی کن و خودت را به ما بفهمان که جز تو مقصدی نیست که ما قلبمان را به سوی او جهت دهیم، خلاصه متوجه شویم: «نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد»؛ اگر کسی معنی هدایت را بشناسد، و بفهمد یعنی چه، خداوند ما را در این ماه به «هدایت» مژده داده است، با تمام وجود برای به دست آوردن آن می کوشد که گفت:

دلا! ز نور هدایت گر آگهی یابی

چو شمع خنده زنان، ترک سرتوانی کرد

### نگاهدار سر رشته تا نگه دارد

« وَ جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي » این ماه را چون یک ریسمان قرار دادم بین خود و بندگانم. پس ماه رجب به عنوان یک شرایط استثنایی است تا انسان از آن استفاده کند و بالا برود، مثل یک طناب که یک سر آن در دست خدا است و یک سر آن را رها کرده تا ما بگیریم و بالا رویم، با اعمال و آداب مخصوص این ماه می توان سر طناب را برای بالا رفتن گرفت. عمده آن است که متوجه شویم این ماه یک رشته ای است بین ما و خدا، انسان عاقل به چنین طنابی محکم چنگ می زند. چرا که گفت:

مرا تا جان بود در تن، بکوشم مگر از جام و یک جرعه نوشم

چون فرصت استثنایی است، پس:

گرت هو است که معشوق ننگسلد پیوند نگاه دار سر رشته، تانگه دارد

« فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ » کسی که به ریسمان ماه

رجب چنگ بزند به من وصل می شود. عرض کردیم چنگ زدن به آن هم مشخص است، یعنی آداب ماه رجب را قلباً و عملاً رعایت کند، چون در می‌کده وصل به حق را گشوده‌اند و آن‌هایی که چنین گشودگی را احساس می‌کنند، ندا سر می‌دهند:

الْمَنَّةُ لِلَّهِ كَمَا فِي مِثْلِهِ بَارِئَةٌ

وین سوخته را بر در او روی نیاز است

خَم هاهمه در جوش و خروش اند، زمستی

و آن می‌که در آن جاست، حقیقت نه مجاز است

شرح شکن زلف خَم اندر خَم جانان

کوته نتوان کرد که این قصه دراز است بر دوخته‌ام

دیده چوباز از همه عالم

تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

چون ماه رجب، ماهی است که حجاب هم مرتفع می‌شود و انسان در قلب خود احساس می‌کند با خدا در ارتباط است و در نتیجه

دیده از همه دنیا باز می گیرد و به همه چیز پشت پا می زند، موقع درددل کردن با محبوب واقعی برایش سر می رسد، که گفت:  
 رازی که بر خلق نهفتیم و نگفتیم

با دوست بگوییم که او محرم راز است

در این حالت گویا همواره در حال راز و نیاز با حق است که:  
 در کعبه کوی تو هر آن کس که در آید

از قبله ابروی تو در عین نماز است

ای مجلسیان! سوز دل حافظ مسکین

از شمع پیرسید که در سوز و گداز است

چون فرمود: هر کس به ریسمان من - یعنی ماه رجب - چنگ  
 بزند به من وصل خواهد شد و قصه وصل، قصه ای است پرسوز و  
 گداز:

ای مجلسیان! سوز دل حافظ مسکین

از شمع پیرسید که در سوز و گداز است

## کشف رجب در خود

ما دوباره به آن نکته قبل در این جا باید مجدداً تأکید کنیم، این  
 که در قیامت می فرماید: «أَيْنَ الرَّجِيِّونَ»؛ این یک نکته دقیقی

است و خبر از یک حقیقت بزرگی می دهد. می دانید که در قیامت داریم: «يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ» (قر/6)؛ یعنی روزی که دعوت کننده ای دعوت می کند و می خواند. که این خواندن و دعوت کردن منطبق است بر بنیاد روح انسان ها، و یک خواندن اعتباری نیست. یعنی همین طور که جهنم، جهنمیان را می خواند و جذب می کند، بهشت هم بهشتیان را جذب می کند. در همین راستا و با توجه به چنین شرایطی «رجبیون» افرادی هستند با مقامی خاص، یعنی یک مقامی که در بعضی انسان ها به جهت استفاده کردن از ماه رجب محقق می شود و در عالم قیامت، آن مقام ظاهر می گردد، آن وقت این افراد در آن عالم شاخص هستند، یعنی یک نوع بزرگی و آبرومندی برای آن ها در قیامت هست. به همین جهت می خواهیم عرض کنیم «رجب» یک مقام تکوینی است که هر کس می تواند در درون خودش به نحوی آن را احیاء و کشف کند. اگر احیاء شد آن وقت می بینید مقامی است که اگر طبق روایت، یک روز از آن را روزه بگیرید، موجب «دفع جهنم» است، روزه دوم آن موجب «ایجاد صراط» است. یعنی چه که از صراط می گذریم؟ یعنی جاده ای به سوی بهشت برایمان کشیده می شود. «صراط» جاده به سوی بهشت

است و لذا روزه دوم ماه رجب موجب پدید آمدن صراطی است که آن صراط به سوی بهشت است. یعنی انسان با دومین روزه ماه رجب، قلب خود را به سوی بهشت جهت می دهد، و دیگر قلب او در توجّه به عالم معناست و در این دنیا سرگردان نیست، او انسان جهت دار شده است. روزه سوم آن «ایجاد بهشت» است<sup>۴</sup>، یعنی وصل به بهشت. این ماه دارای چنین مقامی است که خداوند إن شاء الله توفیقات بهره مندی از آن را برایمان مرحمت کند.

خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده اند

ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است

4- قَالَ مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام): «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ، يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (اقبال الاعمال ج3 ص191) ؛ یعنی «رجب، ماه عظیمی است که خداوند نیکی ها را در آن چند برابر و بدی ها را محو می نماید، هر کس يك روز از ماه رجب را روزه بدارد، آتش جهنّم به فاصله يك سال از او دور می شود و هر کس سه روز از آن را روزه دارد، بهشت برای او واجب می شود». همچنان که در روایت دیگری از رسول خدا(ص) داریم: «هر کس کلّ ماه رجب را روزه دارد، خداوند رضایت خود را برای او ثبت می کند و کسی که رضایت خداوند برای او ثبت شد، مورد عذاب قرار نمی گیرد». (مصباح المتجدد ج2 ص797)

## اتصال به بهشت

خود این ماه، ماه رحمت بزرگ خداست که در دعاهای آن این نکته مورد توجه هست. پس تأکید ما یکی این است که کاری کنیم این ماه را که در درون ذات هر کس نهفته است به نام مقام رجبیت، با اعمال این ماه کشف کنیم، اگر کشف شد خودش جلوه‌ای از بهشت است، یک نحوه وصل به بهشت است.

### شیر؛ صورتِ علمِ توحیدیِ مخصوصِ رجبیون

روایتی که مرحوم شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) در مفاتیح الجنان آورده، اگر عنایت بفرمایید روایت عجیبی است. از امام ابی الحسن موسی (علیه السلام) می فرمایند که: «رجب نام نهری است در بهشت، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر، هر که یک روزِ رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد»<sup>۵</sup> پس اولاً؛ رجب یک نهر است، یعنی مقام است. چون می دانید که آب و درخت در بهشت عبارت است از «مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ یعنی عبارت اند از آنچه شما عمل کردید، یعنی آنچه شما در این دنیا عمل می کنید دو وجه دارد. هر کس هر کاری بکند یک وجه آن «فکر» است و یک وجه آن «حرکت و عمل» است. شما که به لطف خدا نیت روزه ماه رجب را می کنید، این نیت یک فکر است، فکر این که خدایا می خواهم رجبی شوم، این نیت است. و وجه دیگر عملی است که انجام می دهید و آن ترک شهوات مثل غذا خوردن و غیره است. در قیامت درخت و نهرهای زیر آن

---

5- «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَخْلِي مِنَ الْعَسَلِ، مَنْ صَامَ يَوْماً مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ» (اقبال الاعمال ج 3 ص 191)؛



صورت عقاید و اعمال این دنیایی ما است، و حتماً ملاحظه کرده‌اید در مورد انسان حتی ترک یک کار هم خودش، کار به حساب می‌آید، چون اراده می‌کند که آن کار را نکند و این اراده برای ترک آن کار، خودش یک اراده است و در نفس انسان یک عمل به حساب می‌آید و در قیامت صورت مخصوص به خود را پدید می‌آورد. شما اگر به خانه عمویتان نروید، در خارج کاری نکرده‌اید، ولی در درون اراده به نرفتن را انجام داده‌اید. پس هر کاری یک وجه عقیدتی و فکری، و یک وجه عملی دارد. بزرگان می‌فرمایند: که این «عمل» و «عقیده» است که در قیامت ظهور می‌کند. شراب طهور را در ازای چه چیزی به اهل‌البیت دادند که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» (انسان/21) چون سه روز گرفتند و افطاری‌شان را هم به نیازمندان دادند، و این شراب طهوری که نصیب این ذوات مقدّسه شد، خیلی مقام است. چون می‌فرماید: پروردگارشان به آن‌ها نوشاند «رَبُّهُمْ». اگر یک ملکی به ما یک ذره از آن شراب معنوی بدهد، از شعف آن حالت معنوی 60 سال فریاد می‌کشیم، حالا اگر پروردگار آن را به کسی بنوشاند، بین چه می‌شود.

می فرماید: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»، مگر چه کار کردند؟ با یک «عقیده توحیدی» بسیار عمیق یک «عمل توحیدی» انجام دادند که از نیاز و میل خود برای خدا گذشتند، ظهور آن عقیده و عمل در بهشت چنین شد که فرمود: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»، چون بهشت ظهور عقیده و عمل است، برای همین هم در و دیوار بهشت حرف می زنند. چون جان انسان آن جا ظاهر است. بهشت و جهنم - هر دو - «تَطَّلِعُ عَلَى الْآفِئِدَةِ» است، یعنی از قلب ما به بیرون ظهور می کند و لذا جنس حیات است، مثل حالات قلبی؛ در آیه 65 سوره عنکبوت هم فرمود: «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»؛ یعنی نظام عالم آخرت سراسر حیات است، یعنی جنس حیات انسان است.<sup>6</sup>

پس اول یادتان باشد که بهشت چیست؟ بهشت ظهور «عقاید» و «اعمال» و «اخلاق» ماست و به جان ما بسته است. یعنی بهشت از ما جدا نیست. آری؛ به عنوان یک واقعیت در بیرون هست، اما به جان ما بسته است. حالا در این بهشت یک نهی است

---

6- برای پیگیری این نکته می توانید به تفسیر سوره «یس» از همین نویسنده رجوع فرمایید.

که می‌فرماید: از غسل شیرین تر است و از شیر سفیدتر است، این نهر اسمش «**رجب**» است. پس **اولاً**؛ کسی که رجبی شد، وصل به این نهر می‌شود. این نهر در کجاست؟ در بهشت. پس کسی که رجبی شد، وصل به بهشت می‌شود. **ثانیاً**؛ این اتصال بعد از مردن ما هست یا همین حالا؟ امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: هر کس بگوید بهشت بعد است، از ما نیست<sup>۷</sup>. پس این بهشت همین حالا هست. یعنی **إن شاء الله** همین امروز که تصمیم گرفتیم در این ماه، رجبی شویم، وارد بهشت شدیم، خدا می‌داند که همین حالا وارد بهشت شدیم.

آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله تعالی) بحثی داشتند از کلام امام معصوم حضرت رضا (علیه‌السلام) فرمودند: همین حالا وصل به بهشت می‌شویم و همین حالا از بهشت خارج می‌شویم بستگی به اعمال ما دارد، چون حضرت رضا (علیه‌السلام) اشاره می‌فرماید به آیات 43 و 44 سوره عنکبوت که می‌فرماید: این است جهنمی که گناهکاران انکار

می کنند و هم اکنون گناهکاران بین آن جهنم و آب جوشان در حال طواف اند.<sup>۸</sup>

پس اولاً؛ ما در ماه رجب وارد بهشت می شویم، الا این که عده ای نسبت به آن در کمال غفلت به سر ببرند که این ها، وارد رجب نمی شوند، بلکه مثل بقیه زمان های روزگار، وارد یک زمان می شوند ولی اگر ما در عین توجه و انتظار و استقبال وارد رجب شویم، وارد یک مقام خاص از بهشت می شویم، که آن مقام به تعبیر روایت از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر است و آن هم روی حساب است. بزرگان اهل معرفت یک دقت هایی روی این عسل و شیر کرده اند که این ها دو حال و مقام است برای انسان و نه دو نوع غذا.

یکی از مفسرین می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور کلی هر غذایی که می خوردند، می گفتند: الحمد لله. ولی وقتی شیر می خوردند می فرمودند که خدایا زیادش کن. بعد می گوید از طرفی مطابق آیه قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور هستند که بگویند: خدایا علم مرا زیاد کن، «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ (طه/114) پس باید این

شیر، در عالم معنا همان مقام علم باشد، یعنی ظهورش در نفس انسان، علم است. مگر علم، جان را تغذیه نمی‌کند؟ بهترین غذا برای جان مادّی، شیر است. و برای جان غیبی، علم است و این دو با همدیگر یک رابطه‌ای دارند.

«محمی‌الدین عربی» در کتاب فصوص‌الحکم می‌گوید: ابی‌خالد، در خواب دید که شیر خورده است. شب آمد خدمت یکی از عرفاء و خوابش را گفت. آن عارف می‌گوید: این خواب دو حالت و دو مقام دارد. در این که این رؤیای صادق است شکی نیست، حال بگو آیا تو دیشب که خواب دیدی شیر می‌خوری، آیا به‌واقع شیری وارد معده‌ات شده؟ گفت: نه! به او گفت: ولی اگر استفراغ کنی، شیر استفراغ می‌کنی. این یک وجه از تعبیر خوابت، اگر خواستی بر اساس موطن دنیا تعبیر شود، ولی اگر بخواهی پذیری، شیر یعنی علم، تعبیر خوابت این است که به تو علم می‌دهند. چون شیر در مقام غیب، علم است، در مقام عالم ماده شیر است. ایشان می‌گوید: وسوسه شدم من که شیر نخورده‌ام، پس مگر می‌شود کسی شیر نخورد، ولی خواب شیر خوردن ببیند و بعد شیر خورده باشد و در معده‌اش شیر باشد؟ خودم را وادار به تهوع کردم، دیدم شیر بیرون

آوردم، چیز پیچیده‌ای نیست. در روایات هم داریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عایشه فرمودند: که برو روزه‌ات را افطار کن - ظاهراً روزه مستحبی بوده - عایشه گفت: چرا؟! فرمودند: چون خودت خودت با غیبتی که کردی، روزه‌ات را افطار کردی و گوشت خوردی. گفت کی من غذا خوردم؟ در حالی که گوشت خوردن او، همان غیبتی بود که کرده بود، بعد خودش از لای دندان‌هایش متوجه وجود گوشت خام شد، یعنی عمل غیبی باطنی غیبت، صورت ظاهری حسی گوشت خوردن به خود گرفت.

مقام شیر در نهر رجب را اهل معرفت می‌فرمایند که در بهشت مقام «علم توحیدی» است. اگر شما ماه رجب را حفظ کنید، ان شاء الله معرفت توحیدی نصیبتان می‌شود. آن وقت آن علم توحیدی ماه رجب، علمی است که به راحتی به دست نمی‌آید، کسی که رجبی شد یک معرفت خاصی پیدا می‌کند که ظهورش همان شیر بودن آن نهر است که از قلب او ظهور کرده‌است، و از شیر سفیدتر بودنش هم به جهت پاک بودن از هرگونه شرک و آلودگی روحی است.

**عسل؛ صورت شور معنوی رجبیون**

و نیز می‌فرمایند: آن نهر از عسل هم شیرین تر است، چون عسل، حرکت و گرما و تحرک می‌آورد؛ یعنی آن عسل، اراده‌های توحیدی و همّت عمل توحیدی آدم را زیاد می‌کند. ببینید که منظورشان چیست؟ شما گاهی دلتان می‌خواهد که با یک شور و حرارتی بلند شوید و نماز شب بخوانید، ولی خواب نمی‌گذارد. این اراده نماز شب خواندن و راحت و با شور و حرارت و عشق جلو رفتن به اصطلاح علماء اخلاق مربوط به عقل عملی است و این غیر از عقل نظری است که پذیرفته است نماز شب خیلی برکات دارد، این شور و شیدایی در عبادات، ریشه‌اش همان عسلِ بهشتیِ مربوط به نهر ماه رجب است. پس حرارت انجام اعمال الهی را رجب به آدم می‌دهد و رجبیون، هم به معرفت خاص و هم به حرارت خاص در فهم دین و عمل به دین دست می‌یابند. با توجه به این مبنا غفلت نکنید که همین حالا با وارد شدن در ماه رجب و استقبال کردن از آن انشاءالله ارتباط با آن شیر و عسل شروع می‌شود.

### ماه ولایی شدن برای ملاقات با حق

آن روایت را در کتاب «المراقبات» داشته باشید که می‌فرماید: «ماه رجب ماه خدا است، ماه شعبان ماه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ماه رمضان، ماه امت رسول الله (صلوات الله علیه و آله) است». یعنی با شروع ماه

رجب که ماه خداست، نیت سلوک شروع می شود، بنابراین از خدا شروع می شود و پس از انس با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه شعبان و رعایت اعمال مخصوص ماه شعبان، به یک خودیابی در ماه رمضان می رسیم، و بدین معناست که ماه رمضان، ماه امت است. این روایت را با آن روایت جمع کنید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

« شَهْرُ رَمَازَانَ، شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانَ شَهْرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَجَبٌ شَهْرِي »<sup>۱</sup> یعنی؛ ماه رمضان ماه خداست و ماه شعبان ماه رسول الله (صلوات الله علیه و آله) و ماه رجب ماه من است. پس طبق این روایت، به یک اعتبار ماه رجب، ماه یگانگی با خداست، از طریق ارتباط با خود خدا، و به یک اعتبار، ارتباط با خدا بدون اتصال به ولایت ممکن نیست و لذا ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یعنی صاحب ولایت است، پس ماه رجب ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام) یعنی ماه ولایت است. « ولایت » یعنی زدودن جنبه های غیر الهی از دل و رسیدن به یک به خود آمدن ناب. دلی که ولایی شد این دل غیر حق را نمی خواهد، آن وقت این دل به عشق به نبی<sup>۲</sup> - که مظهر نمایش صفات حق<sup>۳</sup> است - می رسد و برایش طلب نزدیکی به پیامبر



اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه شعبان پیدا می شود و تقاضای وارد شدن در سلوک و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جانش شعله می کشد و در دعای روزهای ماه شعبان می گوید: « **اللَّهُمَّ فَاعِنَا عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ...<sup>۱۰</sup>** » یعنی خدایا! مرا یاری فرما تا به روش و سنت پیامبرت نزدیک شوم و بدان عمل نمایم. و حالا در منظر نگاه به وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ماه شعبان، در مقابل خود و در افق جانت ماه رمضان را مشاهده می نمایی و در این حالت ماه رمضان شَهْرُ اللَّهِ، و ماه ملاقات با خدا می شود. این دو روایت می گوید: خودت را برای خدا در ماه رجب خالص کن، تا بتوانی ولایت و نبوت را بفهمی و از خدا شروع کن - **در ماه رجب** - و به خدا ختم کن - **در ماه رمضان** -.

پس با ماه رجب و روزه و استغفار در این ماه یک خلوص اولیه و خود را برای خدا آماده کردن داریم. آدم روزه که بگیرد و **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** دعاهای ماه رجب را هم بخواند و در آن ها دقت و تدبیر کند، توجه به حق در او زنده می گردد. به قول بزرگان می گویند: دعاهای ماه رجب عجیب است این قدر عجیب است که عده ای از

بزرگان می فرمایند: بعضی از این دعاها در ماه رمضان هم پیدا نمی شود و انصافاً هم از جهت توحید و ولایت یک مراتب خاصی در دعاهای ماه رجب هست، خدا توفیق مان بدهد که هم این دعاها را از اهلش درس بگیریم و هم به کمک آن ادعیه با خدا مناجات کنیم. بعد که توجه به حق از این طریق در انسان زنده شد، ارتباط بیشتر با خدا در او شعله می کشد، می یابد که باید برای ارتباط حقیقی با حق، دست به دامن صاحب ولایت، یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بزند، این جاست که می بیند عجب، پس ماه رجب، ماه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، است و به اذن آن حضرت می تواند حق ماه رجب را اداء کند. در مستی ارتباط با حق از طریق نور ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دل با ماه شعبان روبه رو می گردد و می بیند مخزن اصلی، وجود مقدس صاحب ماه شعبان، یعنی محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) است. در عطش ارتباط با خدا، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روبه رو می شود، آرام آرام این عطش شعله ور می شود و درست در دل ماه رمضان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) سراغ خدا را می گیرد و هم خدا به پیامبرش ندا می دهد: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي، عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا

**دَعَانِ...»<sup>۱۱</sup>**؛ یعنی ای پیامبر! اگر بندگان من از تو سراغ مرا گرفتند، من خودم به آنها نزدیکم و جواب آنها را می‌دهم. بدون آن که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را خداوند در این شرایط واسطه قرار دهد.<sup>۱۲</sup>

### راه به دست آوردن توفیق انجام اعمال این ماه

اجازه بدهید تأکیدی عرض کنیم تا إن شاء الله بتوانیم در این ماه نتیجه بهتری بگیریم. **اول**؛ ایجاد زمینه نورانیت فکری و قلبی است به کمک ادعیه و تأمل در محتوا و فرهنگ آنها، که عامل و زمینه نورانیت بسیار خوبی برای قلب است، و حیف است که این دعاها را از دست بدهید، پس با یک برنامه‌ریزی سعی بفرمایید از ادعیه ماه رجب استفاده کنید. **دوم**؛ ایجاد زمینه همت عملی است از طریق روزه. در این ماه بالأخره هر کس به جایی رسید، نهایت استفاده را از ماه رجب کرد و نهایت استفاده آن این است که

---

11- 186/بقره

12- برای بررسی بیشتر این موضوع به نوشتار «رمضان، دریچه رؤیت» رجوع فرمایید.

تصمیم بگیرد إن شاء الله همه ماه رجب را روزه باشد، کار مشکلی نیست، ولی برکات آن غیر قابل تصور است.

### اعمالی ساده و برکاتی بزرگ

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله ملکی تبریزی را، یک تذکری که در تمام کتاب المراقبات مرتب تکرار و تأکید می کنند و به خصوص در اعمال ماه رجب و ماه رمضان، می گویند: شما ببینید مثلاً می گویند اگر این ده رکعت نماز را هر شب در ماه رجب بخوانید غیر ممکن است که وارد بهشت نشوید. حالا ممکن است یکی بگوید این ده رکعت که چیزی نیست. مگر می شود برای عملی در این حد ساده، چنین نتیجه ای بزرگ بدهند؟ ایشان می فرمایند: «اگر چیزی نیست، که چیزی هم نیست، پس چرا از بین این همه آدم که زیر پرچم اسلام هستند، عدّه بسیار قلیلی این عمل را انجام می دهند؟» پس معلوم است از جهت دیگری چیزی هست، وگرنه اکثر مسلمانان انجام می دادند. ایشان می فرماید: «خدا می خواهد بنده اش را امتحان کند ببیند اعتماد به حرف خدا دارد یا نه؟ اعتماد به حرف امام معصوم دارد یا نه؟» امام معصوم (علیه السلام) می فرماید: این کار را بکنید این نتایج را دارد، ولی از آن جایی که

ما اعتماد نداریم . می گوییم مگر می شود. آن وقت چون نمی دانیم که می شود یا نمی شود حرف را جدی نمی گیریم و همین موجب ضرر می شود. اما آن طرف قضیه را خودتان می دانید با اینکه به واقع آسان است، همه انسان ها توفیق انجام آن را ندارند، پس معلوم است از جهتی کار مشکلی است ولی اگر توفیق انجامش را به دست آوریم خود عمل، کار مشکلی نیست، چون که تمام دعاهاى ماه رجب يك ساعت بیشتر طول نمی کشد. حال اگر انسان يك ساعت در هر روز ماه رجب خودش را برای ماه رجب فارغ کند بسیار نتیجه می گیرد، که به نظر می رسد ما خیلی بیشتر از این ها وقت هایمان را بدون استفاده می گذرانیم. پس آری چیزی نیست، ولی عمده همت ماست که بتوانیم توفیق عمل پیدا کنیم و اگر همین تذکر آیت الله ملکى «رحمة الله علیه» را به قلبمان تفهیم کنیم و به خدا و ائمه معصومین اعتماد نماییم، توفیق انجام اعمال و قرائت ادعیه فراهم می شود، بالأخره می خواهند با همین کارهای ساده ما را به درجات بالا برسانند.

تأکید بیشتر ما روی این قضیه است که ماه رجب ماهی است که ما باید دنبال کشف يك کمالی باشیم که همه این اعمال و

اذکار، مقدمه آن کمال است و مرتب خودمان را آماده و آماده تر کنیم تا آن کمال در ما پیدا شود که وقتی به طور کلی در قیامت ندا می کنند: «**اَیْنَ الرَّجِیْبُوْنَ**» **اِنْ شَاءَ اللهُ** ما جذب آن دعوت شویم.

### سلوک بی سرو صدا

گاهی دوستان می پرسند اذکاری که بتوانیم به کمک آنها اهل سیر و سلوک شویم چیست؟ اصل قضیه را خودتان متوجه هستید بنده عرض می کنم تا **اِنْ شَاءَ اللهُ** با هم راه بیفتیم. ببینید ما دو نوع عارف داریم؛ یک نوع عارف پر آوازه که عموماً همه مردم آن ها را می شناسند و بنا به مصلحتی که نزد خدا محفوظ است، خداوند آن ها را به مردم شناسانده است؛ و یک نوع عارف بی سروصدا هم داریم، که بی سروصدا از عمق جان، نورانی شده اند. عموماً بزرگانی که به حقایق وصل شدند سروصدا ندارند و شما هم باید بی سروصدا دنبال نورانی شدن جان خود باشید و این نکته را باید به خوبی برای خودتان حل کنید که شما بنا ندارید آوازه سیر و سلوکتان به گوش احدی برسد. شما فکر می کنید کم آدم پیدا شده که بی سروصدا ماه رجبش را حفظ کرده است، ماه شعبان و ماه رمضان را حفظ کرده، پنجشنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماهش را روزه

گرفته و بحمدالله به جاهایی رسیده، بدون آن که اصلاً کسی او را به عنوان اهل سیر و سلوک بشناسد، به طوری که حتی عرفای پرآوازه غبطه او را می‌خورند. این‌ها از چه طریقی به این درجات رسیده‌اند؟ از طریق همین ماه رجب و اعمال و اذکار وارده. اصلاً بالاتر از برکاتی که در ماه رجب هست در زیر این آسمان برکت نیست. در ماه رمضان که روزه‌داری واجب است، پس اعمال مستحبی که شما بخواهید به آن دست پیدا کنید و از برکات آن بهره بگیرید، خدا می‌داند بالاتر از اعمال ماه رجب اعم از روزه و دعا و اذکار آن، زیر این آسمان نیست. همان‌طور که به ما خبر داده‌اند در این ماه یک شعوری برای آدم پیش می‌آید، یک ملکاتی و فهمی گیر آدم می‌آید که دیگر گفتنی نیست، خوشا به حال رجبیون. ما شنیده‌ایم و امیدوار شده‌ایم. پس اعمال و ذکرهای ماه رجب دستورالعمل به جایی رسیدن است. این اعمال موجود در مفاتیح‌الجنان شیخ عباس قمی «رحمة‌الله‌علیه» در ماه رجب یک دستورالعمل سلوکی است که به کمک احادیث معصوم تدوین شده‌است. وقتی که به دوستان می‌گوییم آقا به کمک دستورات مفاتیح ماه رجب و شعبان و

رمضان خود را حفظ و احیاء کنید، فکر می کنند که ما کار را دست کم گرفتیم.

فرمودند که: دیده شده از دهان شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» نور بیرون می آمد. یعنی این مفاتیح، نور است. ایشان شاگرد مرحوم آیت الله قاضی طباطبائی «رحمة الله علیه» بوده است. مرحوم قاضی طباطبائی یعنی استاد علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» را جناب آقای حداد آن عارف بزرگ در وصفش می فرماید: من سیر کردم در باطن همه عرفای تاریخ، بالاتر از آیت الله قاضی «رحمة الله علیه» بعد از معصوم ندیدم. مرحوم شیخ عباس قمی شاگرد عرفانی مرحوم آیت الله قاضی طباطبائی بوده و مفاتیح را با چنین روح و روحیه ای تدوین کرده است. خودش اهل سیر و سلوک است، ولی نه سیر و سلوک با سروصدا که یک چیزهایی بگوید که ما بگوییم خوشا به حالش، نه، این ها بی سروصدا هستند، گفتنی نیست.

مرحوم راشد فرزند مرحوم ملاعباس تربتی در کتاب «فضیلت های فراموش شده» می گوید: «یک هفته قبل از فوت پدرم یک دفعه نوری حدود یک ساعت آمد در خانه ما که همه می دیدیم، پدرم می خواست در مقابل آن بلند شود نمی توانست، گریه کرد و گفت:



«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَبُ كُبْرَى!». مرحوم راشد می فرماید: پیوسته پدرم همان طور که در بستر بیماری خوابیده بود، سر خود را به عنوان سلام تکان می داد و نور حدود یک ساعت حضورش ادامه داشت، همچنان پدرم گریه می کرد و به یک یک ائمه و پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) سلام می داد. جناب آقای راشد که این قضیه را نقل کرده آدم دیر باوری است و خودش هم می گوید من عموماً سعی می کردم این گونه موارد را باور نکنم تا این که خودم با چشم هایم دیدم. او می گوید: بعد از این قضیه، چند بار از پدرم پرسیدم این قضیه چه بود؟ ایشان در جواب من می گفتند: حسنعلی، این ها چشیدنی است و نه شنیدنی.

غرض از این عرایض این است که کسی مثل ملاعباس تربتی به جایی می رسد که در آخر عمر نور ائمه معصومین (سلام الله علیها) به سراغش می آیند ولی هیچ وقت ادعایی هم ندارد،<sup>۱۳</sup> فقط با نمازهای

---

13- مرحوم شیخ عباس قمی «ره» را دعوت می کنند که یک ماه رمضان را در مسجد گوهرشاد مشهد منبر رود. هنگامی که مرحوم ملاعباس تربتی خبردار می شوند تصمیم می گیرند جهت استفاده از مواعظ مرحوم شیخ عباس قمی به مشهد بروند. روز اول خود را پشت ستون مسجد پنهان می کند که شیخ عباس قمی «ره» او را نبینند، ناگهان چشم شیخ عباس قمی «ره» به او می افتد. همان وسط منبر می گویند:

طولانی و روزه‌های سالیانه به این جا رسیده است. ماه رجب و دستورات آن این طوری آدم را به مقصد می‌رساند و تربیت می‌کند. عرفای شیعه بی‌سروصدا هستند و با ماه رجب هم به جاهایی که باید برسند، رسیدند. دنبال این و آن راه افتادن به هیچ دردی نمی‌خورد. بروید دنبال دستورات ائمه که در امثال مفاتیح‌الجنان هست. اعمال ماه رجب، روزه روز دوشنبه هر هفته یا چهارشنبه وسط ماه و پنج‌شنبه اول و آخر ماه، بی‌سروصدا، کار خودش را می‌کند. ان شاء الله یک چیزهایی به دست می‌آورد که به کسی نمی‌توانید بگویید، کسی هم نمی‌تواند به شما بگوید، بیاید ما و شما امیدوار باشیم. بنا هم نیست به کسی بگویی الا اینکه مأمور باشید، آن کسی هم که مأمور است دست بقیه را بگیرد که مقامش، مقام ولایت و نبوت است و من و شما در این مقام‌ها نیستیم. اگر زرننگ باشید از یک شواهدی اصل مطلب را می‌فهمید، همان کافی است. مرحوم

مردم! شما آمده‌اید که استفاده ببرید، کسی در این مجلس هست که بهتر از من این کار را می‌تواند انجام دهد، اجازه دهید همه ما این یک ماهه از او استفاده کنیم و از منبر پایین می‌آیند و با اصرار، مرحوم تربیتی را بالای منبر می‌فرستند و تمام طول ماه رمضان پای منبر او می‌نشینند.

آیا این حرکات، نشانه سلوک حقیقی و وصول به حقایق عالم نیست؟

آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» زرننگ بود. عصر روز بیست و یکم آبان سال 1357، امام خمینی «رحمة الله علیه» فرمودند: حکومت نظامی را بشکنید و بروید در خیابان‌ها، هر چه می‌خواهد بشود. مرحوم آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» جهان دیده است، سیاست می‌شناسد، می‌داند در موقع حکومت نظامی ریختن در خیابان‌ها یعنی چه؟ امام «رحمة الله علیه» می‌فرماید: باید بریزید در خیابان. مرحوم طالقانی تلفنی به امام «رحمة الله علیه» می‌گویند: آقا خطرناک است، مردم را می‌کشند، و اصرار می‌کنند و می‌گویند: امام زمان (عجل الله تعالی) راضی نیستند. امام خمینی «رحمة الله علیه» می‌فرماید: از کجا که دستور امام زمان (عجل الله تعالی) نباشد؟ آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» چون اهل فهم است، یک مرتبه مطلب را می‌گیرد و می‌گوید ببخشید. و تنها چیزی که امام «رحمة الله علیه» بعدها در باره آن صحبت نکردند همین بود و آیت الله طالقانی «رحمة الله علیه» هم همین قدرش را می‌توانستند بگویند. آیا آن که مردم در خیابان بریزند، دستور درستی بود یا نبود؟ یعنی اگر آن شب مردم به دستور امام «رحمة الله علیه» در خیابان نریخته بودند، مطمئن باشید هنوز انقلاب اسلامی محقق نشده بود. عرفای ما که ادعا ندارند، بی‌سروصدا هستند. امام «رحمة الله علیه» در کتاب‌های

«مصباح الهدایه» و یا «شرح دعای سحر» یک چیزهایی یواشکی فرموده اند که اهل نظر می گویند خیلی مراتب را باید طی کرده باشد، ولی بی سروصدا. تأکید ما همین باشد که دعاها و روزه و ذکرهای ماه رجب بصیرتی به انسان می دهد که آن بصیرت آن چنان است که فقط می توانید آن بصیرت را داشته باشید و با آن زندگی کنید، یعنی **چشیدنی است و نه شنیدنی**، **إن شاء الله**. به شرطی که از حالا، عزمتان این باشد که بنای سر و صدا نداشته باشید.

### زیرکی بفروش و حیرانی بخر

تأکید بعدی هم باز روی ماه رجب است. ماه رجب قدرت آدم درست کردن دارد. ما چیزی نمی دانیم به شما بگوییم، فقط همین را بگوییم که: مرحوم آیت الله ملکی تبریزی «رحمة الله علیه» در کتاب المراقبات می فرماید: «حتی به علماء پیشنهاد می کنم که این ماه، تحقیق علمی - یعنی حتی تحقیق در قرآن و روایت را - کم کنند و به عبادت پردازند». چه کسی این را می گوید؟ کسی که هم مجتهد است و هم در عین حال شاگرد ملاحظه سینقلی همدانی است، حسّی غیب شناس دارد، غیب را می شناسد. می فرماید: من پیشنهاد می کنم

در این ماه تحقیق علمی، بحث و درس را کم کنید و به عبادت پردازید. یعنی ادراک مقام رجب طبق دستوراتی که ائمه (علیهم السلام) به ما داده‌اند از طریق عبادت بیشتر ممکن است.

البته کسی که آن قدر علم ندارد که با این دعاها ارتباط و اتحاد پیدا کند اول باید برود و دعاها را بفهمد، حتی اگر نشد به راحتی مقصد آنها را درک کند باید برود، آنها را درس بگیرد. وقتی اظهاراتی را می‌کنی که در دعا هست، باید قلبت تصدیق کند، قلب که تصدیق کرد بعد إن شاء الله راه می‌افتد. به همین جهت ما پیشنهادمان این بود که مباحث خودمان را در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان تعطیل کنیم، به دوستان هم عرض کردیم، **دین دانی بس است ، دین داری اصل است.** ممکن است حضورتان در این جلسات با انگیزه دین دانی باشد و ضرر کنید، نمی‌دانیم عزیزان با یک شور معنوی می‌آیند یا با یک کنجکاو علمی؟ گفت:

*زیرکی ظن است و حیرانی نظر      زیرکی نفروش و حیرانی بخر*

یعنی کنجکاو علمی بد نیست، ولی ما را به این نکته می‌رساند که احتمال وجود حقایق را می‌دهیم، چشم دل‌مان را باز نمی‌کند تا به حقایق نظر کنیم. راه رسیدن به حقایق، راه حیرت

است که با تزکیه و عبادت به دست می آید، همان حیرتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از خدا تقاضا می کردند که: «رَبِّ زِدْنِي تَحِيْرًا»، خدایا! حیرت مرا بیفزای. از خدا بخواهید در این سه ماه رجب و شعبان و رمضان، فضای معنوی و سلوک روحانی در تمام رابطه مان حاکم باشد.

### تعلیم بس است، تجرید!

آفت این جلسات علمی این است که آدم با خودش درگیر نیست، می آید ببیند که بقیه چه می گویند؟ این خوب نیست، گاهی

### آدم باید ببیند که خودش چه می گوید؟

یک هفته قبل از ماه رجب؛ خدمت آیت الله حسن زاده «حفظه الله» بودیم دوستان عرض کردند که آقا چه دستوری برای ماه رجب می دهید؟ ایشان با یک تأکید و شدتی گفتند: «در ماه رجب بروید خودتان را ورق بزنید». عرض ما نیز همین است که باید یک جوری خودمان را ارزیابی کنیم. می گویند: «تعلیم بس است، تجرید» تجرید یعنی با خود بودن، تعلیم یعنی از غیر چیز یاد گرفتن. اگر من برای شما بگویم و شما حرف های مرا گوش کنید، پس کی به خودتان برگردید؟ آن تجرید، آن یگانه شدن با خود، کو؟!

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «از وقتی که من از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم که روزه ماه رجب و شعبان چه نتایجی برای مؤمن دارد، دیگر هیچ وقت تا آخر عمرم روزه ماه رجب و شعبان را ترک نکردم». باید از خدا بخواهیم که هم توفیقش را بدهد و هم معرفتش را. و از خدا بخواهید که توفیقات کم نخواهیم، باید خود خدا همّت ما را بلند کند. سه روز روزه چرا؟ روزه همه ماه را می خواهیم. روزه همه ماه رجب را چرا؟ روزه ماه شعبان را هم می خواهیم. و روزه شش روز اوّل ماه شوال را هم می خواهیم، یک جوری باید کار، اساسی شود.

### در ربایید این چنین نفحات را

در روایت داریم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «انَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ إِلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛<sup>۱</sup> یعنی در روزگار و گاه و بیگاه در زندگی تان نفحات و نسیم های معنوی برجاتان می وزد، آگاه باشید که خود را در معرض آنها قرار دهید. حال چگونه خودمان را در معرض نفحات ماه رجب قرار دهیم تا آن بصیرت و همّت و شور بندگی را پیدا کنیم؟ مسلّم همین دستورات

ماه رجب را با اطمینان عمل کردن، مساوی است با در معرض  
 نفحات و نسیم‌های ماه رجب قرار گرفتن. به گفته مولوی:  
 گفت پیامبر(ص) که نَفَحَاتُ هَای حَقِّ اِنْدَر اَیْن اَیَّامِ مِی آرد سَبْقِ  
 گوش و هوش دارید این اوقات را در رباید این چنین نفحات را  
 نفحه‌ای آمد شما را دید و رفت  
 هر که رامی خواست جان بخشد و رفت

حتماً تجربه کرده‌اید. گاهی شده است که وقتی طرف را نگاه  
 می‌کنید فکر می‌کنید او هیچ معرفتی از معارف الهی و هیچ توانی از  
 توان‌های سلوکی را هم ندارد. اما خداوند برایتان روشن می‌کند که  
 همه آن چیزهایی که ما آرزویش را داریم، او با همتش به دست  
 آورده است، چون خود را در معرض نفحات ماه رجب قرار داده و  
 از برکات ماه رجب سرسری نگذشته است.

نفحه‌ای دیگر رسید آگاه باش تا از این هم وانمانی خواهی! تاش  
 یعنی تلاش کن نفحه ماه رجب را لا اقل در امسال از دست  
 ندهی. می‌گوید: من به این گرفتاری‌ها و محرومیت افتادم، شما  
 مواظب باشید محروم نشوید. مولوی در آخر دفتر دوم مثنوی در  
 مورد موانع رسیدن آن نفحات به قلبش و ظلماتی که در اثر لقمه و  
 غذا پیش می‌آید درد و دلی دارد. می‌داند که مولوی آن چنان نبوده



است که خودش اراده کرده باشد تا شعر بگوید، بلکه به جهت ریاضت‌ها و آمادگی‌های روحی در یک جذبۀ معنوی وارد می‌شده و دیگری اختیار شعر، بلکه معانی و معارفی بزرگ را در قالب نظم می‌گفته و اطرافیان‌ش به خصوص حسام‌الدین چلیبی آن‌ها را می‌نوشته است. مولوی در درد دل خود می‌گوید: عجب! من یک لقمه اضافه خورده‌ام تمام روحم خاک آلوده شده و در اثر آن لقمه، گویا خاری در روحم فرورفته، می‌گوید:

سختِ خاکِ آمیز می‌آید سُخُنْ      آب‌تیره‌ش دسرِ چه، بندکن

یعنی دیگر نمی‌توانم در آن جذبۀ باشم و احوالات معنوی که به من می‌رسد را در قالب شعر بگویم:

دوش دیگر کون این می‌داد دست      لقمه‌ای چندی در آمد ره به بست

به خاطر لقمه‌ای، این همه ظلمت و پریشان‌حالی! پس باید از کف پای لقمان وجودم آثار این لقمه‌های اضافی را با روزه گرفتن در آورم.

یعنی قبلاً حالات معنوی رنگارنگ و خوبی داشتم، چند لقمه اضافه خوردم، همه آن‌ها رفت. لقمه کارش این است، گاهی یک لقمه اضافی در غیب را می‌بندد.

از برای لقمه‌ای این خار خار

از کف لقمان برون آرید خار

خاردان آن را که خرما دیده‌ای

زانکه بس نان کور و بس نادیده‌ای

پیش از این کین خار پاپیرون کنی

چشم تاریک است، جولان چون کنی

فعالیت بدون بصیرت نتیجه نمی‌دهد، اول باید با روزه‌داری

چشم دل را از کوری نجات داد و سپس راه افتاد.

بهر لقمه گشت لقمانی گرو      وقت لقمان است ای لقمه برو

جان لقمان که گلستان خداست      پای جانش خسته‌خاری چراست

همین طور است که لقمه اضافی پای جان انسان را خسته می‌کند

و سیر روحانی انسان را متوقف می‌نماید.

شاید برایتان پیش آمده باشد یک بار که گرسنه نیستید ولی باز

غذا می‌خورید، می‌بینید که چه قدر روحتان ظلمانی شد و میل‌هایتان

تماماً زمینی و پست گشت. برای یک لقمه این همه دغدغه، این همه

وسوسه درونی، به طوری که احساس می‌شود همه شور و نور دین از

قلب رفت.

از کف لقمان برون آرید خار

از برای لقمه‌ای این خار خار

در ماه رجب خاری را که در کف پای لقمان جانمان فرورفته است باید در آوریم تا بتواند جَوَلان دهد و گرنه وقتی چشم دل بسته است هر چه هم جولان کنی به جایی نمی‌رسی «چشم تاریک است، جولان چون کنی».

خاردان آن را که خرما دیده‌ای      زان که بس نان کوروبس نادیده‌ای

این فرومایگی است که انسان وصل به نان است، یک نحوه کوری است، کوری به جهت حجاب نان. آن وقت نمی‌فهمی این خرما فعلاً خارِ جان است.

جان لقمان که گلستان خداست      پای جانش خسته خاری چراست

حتماً امتحان کرده‌اید، در شرایطی که گرفتار نان و غذا هستیم، وقتی که خدا را می‌خوانیم، عقل می‌گوید: خدا، ولی جان و قلب نمی‌گوید. چرا وقتی که می‌خواهیم دعا بخوانیم، قلب همراه نمی‌شود؟ ریشه‌اش کجاست؟ ریشه‌اش ماه رجب نداشتن است. «جان لقمان که گلستان خداست» مگر قلب مؤمن، عرش رحمان نیست؟ چه شده که آن احساس خدا داری از بین رفته است؟

اُشتر آمد این وجود خار خار      مصطفی زادی بر این اُشتر سوار

شتر چه می‌خواهد بخورد؟ سرش را زیر می‌اندازد و خار می‌خورد. یک مصطفی «صلوات الله علیه وآله»، یک پیامبر، یک انسان

روحانی، یک جان ملکوتی، روی این شتر نشسته است. این شتر باید سرش را بالا آورد، او بخورد و ما هم بایستیم که نمی شود! یک کوزه عطری روی این اشتر است، اشتر زیاد نباید به سوی زمین خم شود، چرا که این کوزه می افتد، باید سرت را بالا بیاوری. در ماه رجب إن شاء الله و به لطف خدا باید سرتان را بالا بیاورید.

اشتر آمد این وجود خار خار مصطفی زادی بر این اشتر سوار

مگر ما از نسل مصطفی (صلوات الله علیه وآله) نیستیم؟ ما همه مان فرزندان روحانی پیامبر (صلوات الله علیه وآله) هستیم. ما سوار بر اشتر بدن هستیم.

اشتر! تنگ گلی بر پشت توست کنز نسیمش در تو صد گلزار رُست مواظب باش با توجه به زمین و میل های زمینی این تنگ عطر نیفتد. تنگ عطری که از نسیمش صد گلزار را معطر می کند، تمام احوالات و خلوت های تو را به حال و نشاط می کشاند.

میل تو سوی مغیلان است و ریگ تاجه گل چینی ز خار مُردگی همان طور که شتر از خار مغیلان و ریگ بیابان، گل سرسبز نمی تواند به دست آرد. تو هم با نان و غذا نمی توانی نسیم روحانی روحت را به دست بیاوری.

ای بگشته زین طلب از کوبه کو چند گویی کین گلستان کُوه و کُوه

گلستان پیش تو است با توجه بیش از حد به نان، آن گلستان گم شده است. اوّل باید خود را از حاکمیت نان آزاد کنی.

پیش از آن کین خاریا بیرون کنید

چشم تاریک است جولان چون کنید

حالا هرچه درس تفسیر بیایم و نماز بخوانیم، تا این جان را از میل های فاسدِ حاکم بر روح، آزاد نکنیم، هرچه بدویم فایده ای ندارد، این خار وقتی کف پای جان آدمی هست، هرچه بدود بیشتر فرو می رود.

پیش از آن کین خاریا بیرون کنید

چشم تاریک است جولان چون کنید

پس اول باید خودتان را از این میل های بدنی آزاد کنید، آن وقت باور کنید غذا هم که می خورید نور می دهد. در روایت داریم که: « مؤمن وقتی غذا بر او حاکم نبود، افطارش نورانش می کند». بعد مولوی یک نکته خیلی بیدار کننده ای را مطرح می کند که چگونه وجود مجردِ نامحدود انسان، محدود به یک لقمه نان می شود و این با این که خیلی عجیب است ولی واقعیت دارد.

آدمی کومی نگنجد در جهان      در سرخاری همی گردننهان

ملاحظه می کنید از یک طرف تمام دنیا برای انسان کم است، همه دنیا نمی تواند شما را قانع کند ولی یک وقت هم در یک لقمه نان گم می شویم. اسیر یک لقمه نان می شویم، چه طور شده است که انسان اسیر می شود، آدمیت او گم می شود؟ این حرف اصلی ما است، در این ماه بیایید آن وسعت آسمانی خود را از گم شدن در محدوده دنیا، نجات دهیم، بقیه اش هم به امید دعاها و ذکرها. و این که زیارت اباعبدالله (علیه السلام) را شروع ماه رجب قرار بدهید، چون خواستند ما به همه چیز برسیم، راه معاشقه با اباعبدالله (علیه السلام) را برای ما باز کردند، که شروع خوبی برای ورود به ماه رجب است.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»